

خبر

در جنایتی هولناک رخ داد:

## قتل ۴ زن در آرماستان کرمانشاه با ضرب گلوله

■ **شناسایی قاتل از سوی پلیس**

در پی جنایتی هولناک در آرماستان کرمانشاه چهار زن به ضرب گلوله کشته‌شدند.

سرهنگ محمدرضا امویی با اعلام این خبر اظهار کرد: ساعت ۹ صبح جمعه - ۲۲ دی ماه - چهار زن که برای مراسم ختم یکی از اقوامشان به باغ فردوس کرمانشاه (آرماستان) رفته بودند به ضرب گلوله راکبان یک خودروی سواری کشته شدند.وی گفت:قاتلان این حادثه‌از سوی پلیس این شهرستان شناسایی شده و تحت تعقیب هستند.سرهنگ امویی عنوان کرد:این قتل به دلیل اختلافات طایف‌بافی در این شهرستان رخ داده است.

## توقف اجرای اعدام در پرونده‌های مواد مخدر اقدام حقوق بشری است

معاون امور بین‌الملل دبیر ستاد حقوق بشر در خصوص لئو حکم اعدام قاچاقچیان مواد مخدر گفت:دستورالعمل رییس قوه قضاییه در اجرای قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر،گام مهم حقوق بشری است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد حقوق بشر، کاظم غریب‌آبادی، معاون امور بین‌الملل و همکاری‌های بین‌المللی قضایی دبیر ستاد حقوق بشر گفت: بعد از تصویب قانون الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر، دستورالعمل رییس قوه قضاییه در اجرای این قانون و ابلاغ توقف اجرای تمامی احکام اعدام صادره در این حوزه با هدف بررسی مجدد و تطبیق آن با تسهیلات قانون جدید،گام مهم دیگری در حوزه حقوق بشر محسوب می‌شود.

غریب‌آبادی بااشاره به اینکه ایران تاکنون هزینه‌های مالی و انسانی بسیاری را در راه مبارزه با مواد مخدر، از جمله جلوگیری از ترانزیت آن به اروپا صرف کرده ادعان کرد: ایران، بار این مبارزه را به تنهایی متحمل شده و کشورهای اروپایی و سازو کارهای بین‌المللی حقوق بشر نیز همواره به انتقاد از مجازات اعدام در این حوزه عادت کرده‌اند و هیچ وقت سهیم خود را در این مبارزه ایفا نگردانند.از این رو تصویب قانون جدید و بخشنامه اجرایی رییس قوه قضاییه محکی برای مواضع اقلامت و رفتار بعدی این کشورها و متکلیف‌ها خواهد بود.معاون دبیر ستاد حقوق بشر همچنین ابراز امیدواری کرد تمام دستگاه‌های ذی‌ربط، تلاش‌ها و ظرفیت‌های خود را بر مبارزه موثر و کارآمد با مواد مخدر و عمل‌ان اصلی آن متمرکز کنند تا جلوی سوءاستفاده قاچاقچیان از قانون جدید گرفته شود.

در این راستا، وی بازرنگی در کل قانون مبارزه با مواد مخدر را شرط اساسی در کارآمد کردن این مبارزه خواند و تاکید کرد همزمان حفظ حقوق افراد و خانواده‌هایی که در دام مواد مخدر گرفتار می‌شوند و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از این معضل نیز باید به عنوان اقدامی اساسی رنج حق بشری در دستورکار نهادهای مسوول، به ویژه مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

## مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر خبر داد:

## افزایش مصرف «گل» بین نوجوانان

**ایسنا-**مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با اشاره به توزیع درسنامه پیشگیری از اعتیاد برای معلمان سراسر کشور و تدریس آن در کلاس‌های درس گفت: برخلاف شیوع بالای شیشه در سال‌های قبل، اکنون مصرف گل در جوانان و نوجوانان بالا رفته است.

عارف وهاب‌زاده بااشاره به تخصصی اعتبار ۱۰ میلیارد تومانی از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر برای آموزش وپرورش به منظور اجرای برنامه‌های پیشگیرانه‌لظاهر کرد، خود روزتخته نیز باید تا ۸۰ درصد هزینه‌های مربوط را تخصیص دهد تا بتوانیم برنامه‌های ویژه را پیش ببریم. وی افزود: درسنامه‌ای برای کلیه معلمان مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و دوم تهیه کردیم و همزمان موظف هستند این کتاب را که مصوبه آموزش وپرورش و ستاد مبارزه با مواد مخدر را دارد تدریس کرده و چند دقیقه‌ای وقت خود را در کلاس‌های درس به آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد اختصاص دهند.

مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستاد مبارزه با مواد مخدر با بیان اینکه این کتاب اکنون در حال توزیع در سراسر کشور است و باید به ۱۰۷ هزار مدرسه سراسر کشور برسد اظهار کرد: کمتر از یک میلیون معلم و مشاور داریم که تلاش می‌کنیم درسنامه‌ها تا پایان سال در اختیار زنیی از آنها قرار گیرد. بر اساس بخشنامه‌ای که ارسال می‌کنیم نسبت به تحت پوشش بردن معلمان اقدام خواهیم کرد.

زهاده‌زاده ادامه داد: همکاری خله و مدرسه برای دوره پیش‌دبستانی، آموزش والدین و آموزش کارکنان هم از دیگر طرح‌های ماست.

وی درباره میزان اثربخشی اجرای این طرح‌ها در کاهش آمار اعتیاد گفت: اثربخشی طرح‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرند طرح مذکور نیز در ۱۳ استان پایلوت شد. باید در نظر داشت برنامه‌های پیشگیری دیربازده هستند و نمی‌توان توقع داشت با طرحی که امسال به اجرا در آمد سال آینده میزان شیوع پایین آید اگر بر نامه مستمر، آرام و عمیق اجرا شود و استاندارد باشد چهار پنج سال دیگر جواب می‌دهد.

مدیرکل فرهنگی و پیشگیری ستادمبارزه بامواد مخدر در پاسخ به اینکه آیا درباره ورود مخدرهای جدید به دانش آموزان هشدار داده می‌شود و آموزش‌ها روزآمد هستنداظهار کرد: آموزش‌ها به سمت هشدار نسبت به خطرات «گل» سوق پیدا کرده که شیوع بیشتری یافته است.اما اگر اطلاع‌رسانی روی ماده جدیدی باشد که هنوز به کشور نیامده یا فراگیر نشده، حس کنجکاوی را تحریک می‌کند. وهاب‌زاده عنوان کرد:وقتی باید اطلاع‌رسانی کرد که مصرف ماده‌ای بیشتر شده باشد. اجرای برنامه‌ها مبتنی بر شواهد است و اکنون شیوع‌شناسی‌ها نشان می‌دهد مصرف گل در سطح نوجوانان و جوانان بالاتر است. طبق سیاست‌های ابلاغی رهبری باید کاری کرد که از سمت مصرف مواد برخطر به سمت مصرف مواد کم‌خطر برویم.

وی با اشاره به اینکه در شیوع‌شناسی سال ۹۰، «شیشه» در رتبه دوم قرار داشت عنوان کرد:اما اکنون شیشه پایین‌تر آمده است و گل و حشیش که خطرانش به مراتب کمتر از شیشه است جایگزین شده است. هرچند ابعاد آسیب اجتماعی و روانی گل هم غیرقابل اجتناب است و باید از شیوع آن پیشگیری کرد.

## فرماندار تهران: ۵۲ درصد مردم تهران با روند فعلی بارندگی فاقد آب شرب خواهند بود

**ایسنا-** فرماندار تهران با بیان اینکه در ۴۷ سال گذشته کمترین میزان آب را داشته‌ایم و اگر بارندگی‌ها در تهران به همین روند باشد ۵۲ درصد مردم تهران فاقد آب شرب خواهند بود، گفت: وضعیت آبی در تهران بحرانی‌تر از بیرجند و خراسان جنوبی است.

عیسی فرهادی در جلسه شورای اداری خراسان جنوبی با حضور استانداران ادوار خراسان اظهار کرد: در استان خراسان جنوبی چند ارزش وجود دارد که در کشور کمتر دیده می‌شود. خراسان جنوبی ظرفیت‌های بسیاری دارد و زیرساخت‌های بسیاری در استان ایجاد شده است.

**ریحانه جولایی-** اگر راستش را بخواهید

اولین‌بار را یادم نیست. اما شک ندارم احساس ناخوشایندی سراغم آمد. نه فقط من، هر زن و دختری که طعمه حرف‌های کنیف به رهگذر شود حتما حال خوشی ندارد.

شاید این گزارش کمی بیشتر از حد معمول شخصی باشد اما موضوعی است که باید شنیده و خوانده شود. این تنها چند سطر از مشکلات زنان و دختران کشورمان است.

اگر یک زن هستنید تا به حال چند بار در خوشبینانه‌ترین حالت سوزوهرز گویی‌هایی مردان بیمار خیابان شده‌اید؟ چند بار مورد تعرض‌های کوچک و خشونت‌های کلامی یا حتی تجاوز به حریم خصوصی شده‌اید؟ جواب کاملا روشن است. همه ما بارها با این واژه‌ها مواجه شدیم. ممکن است گاهی در تاکسی، در خیابان‌های خلوت یا حتی در محل کار قسمتی از بدن‌مان زیر مانتو یا حتی چادر یا دست‌های غریبه یک مرد آشنا شده باشد اما سوال اینجاست برای خودمان چه کردیم؟ چند بار بی‌تفاوت گذشتیم و چندبار وسوسه شدیم تا این دسته از مردان را گوشمالی بدهیم؟ چند بار ترسیدیم از قضاوت اشتباه و بیمار جامعه یا کلیشه‌های مرسوم که اگر تو مشکلی نداشتی چرا یک مرد به خودش اجازه داده تا به تو دست‌درازی کند یا ترس از اینکه پدر و برادر یا شوهر چه می‌گویند؟

راستش را بخواهید برای من هم روزهای دردناک اینچنینی زیاد پیش آمده؛ آنقدر که حساسیث از دستم در رفته و نمی‌دانم چند زخم روی روح و روان و اعتماد اجتماعی‌ام ایجاد شده است. نمی‌دانم از چه زمانی ترسم از خیابان‌های خلوت زیاد شد. نمی‌دانم بعد از کدام اتفاق شبها موقع رفتن به خانه وقتی در پیاده‌رو مردی می‌بینم خودم را آنقدر به دیوار می‌چسبانم که صدای خرت کشیده شدن کیف و مانتوام داخل مغزم می‌پیچد یا اینکه در چشم به هم زدنِ خودم را گوشه خیابان می‌بینم که کنار رد می‌شوم تا کسی نتواند در تاریکی شب و خلوتی کوچک‌های بخش اداری شهر به جسم و روحم بیش از این آسیب بزند.

این موضوع درد مشترک تمام زن‌ها و دخترهایی است که از مزاحمت‌های خیابانی رنج می‌برند. رنج مشترکی که هیچ‌کدام از ما در آن نقشی نداریم و ناخودآگاه برایمان اتفاق می‌افتد.

■ **جماعتی که سکوت می‌کنند**

چند سال پیش از ابتدای خیابان مطهری تا حوالی چهارراه ولیعصر را پیاده راه می‌رفتم. هوای نیمه‌های مهرماه بود و دلپذیر. از پشت سر هیبتی را حس کردم و بعد از آن صدایی در گوشم پیچید. تمام تنم لرزید و دست و مری را در ایدم که سن کمی نداشت. به جرات می‌توانم بگویم شاید فرزندش از سن آن زمان من بزرگ‌تر بود. مرد بی‌اعتنا به محیط و مردم جلوتر می‌رفت. برایش مهم نبود کسی که از کنارش می‌گذرد چند ساله است، چه پوششی دارد، مجرد است یا متأهل، جوان است یا پیر، هیچ چیز برایش مهم نبود فقط با عبور هر زن یا دختر رهگذر گشیم می‌چرخید و زبانش تکان می‌خورد. واکنش‌ها اما جالب بود. بعضی با تعجب نگاهش می‌کردند، عده‌ای بی‌تفاوت یقیه راه‌شان را می‌رفتند، گروهی به خودشان، به ظاهرشان نگاهی می‌انداختند و چند نفری هم ناسرزایی نثارش کردند و باز راه‌شان را رفتند. هیچ کس جلوبیش را نگرفت، همه مثل من ترجیح دادند سساکت باشند و فراموش کنند.

## رویداد

**میزان-** سرپرست دفتر آموزش وپرورش عشایر کشور در خصوص آخرین آمار و وضعیت تحصیل دانش‌آموزان و معلولانی که در مناطق عشایری می‌کند گفت: سختی کار معلمان مناطق محروم، در مباحث حقوق این افراد لحاظ می‌شود و معلمان عشایر را از حقوق و مزایای بیشتری نسبت به نیروهای عادی آموزش وپرورش بهره‌مند می‌کند.

محمدرضا سینیف در خصوص حق‌الزحمه معلمان مدارس عشایر گفت: طبق اساسنامه تأسیس مدارس عشایر و بنا بر تاکید ریاست‌جمهوری و تصویب این آیین‌نامه در شورای عالی آموزش وپرورش، معلمان عشایری از حق کوچ، اسکان و ایاب و ذهاب متفاوت‌تری نسبت به معلمان عادی برخوردار هستند. بر این اساس به علت سختی کار در این افراد درصد بیشتری از حقوق و مزایا نسبت به معلمان عادی به این افراد تعلق می‌گیرد.

وی بیان کرد: سهم تأسیس مدارس عشایری نسبت به مدارس معمولی از سرانه وزارت آموزش وپرورش سه برابر است اما در حال حاضر به علت کمبود منابع مالی دولت هنوز نسبت به پرداخت سهم سرانه وزارت آموزش وپرورش

## سلامت

**میزان-** معاون فنی و برنامه‌ریزی معاونت درمان وزارت بهداشت گفت: با توجه به اینکه بودجه دولت در سال ۹۷ در رابطه با تخت‌های بیمارستانی کم است از بخش خصوصی کمک می‌گیریم.

علی ماهر در خصوص تأمین تخت‌های بیمارستانی گفت: کمبود تخت‌های بیمارستانی بر اساس سطح نیاز در جامعه سنجیده می‌شود بنابراین هر سال میزان کمبودها نسبت به سال‌های گذشته متغیر است و نمی‌توان معیار و اعداد مشخصی را برای جبران این کمبودها به‌طور شاخص مطرح کرد. وی بیان کرد: بر اساس محاسبات وزارت بهداشت ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نقشه راه درمان در این

## جامعه

**برخورد با مزاحمت‌های خیابانی مسییر پیچیده‌ای برای احقاق حق؛**

# زنان تنها ماندند



## نگاه

**■ زن‌ها بعد از این اتفاق هرگز انسان قبلی نمی‌شوند. از تمام مردان خشم دارند، اعتمادشان را از دست می‌دهند و به مرور تبدیل می‌شوند به زنانی شکاک و تندخو و در نهایت همین مردها هستند که به زن‌ها انگ عصبی و متوهم بودن می‌زنند و برای حل مشکل آنها را به جلسات مشاوره و روانپزشک می‌فرستند**

## از حق و حقوق‌مان گذریم

نوروز دو سال پیش بود. مثل نوروزهای قبل و سال‌های پیش پارک ملت شلوع بود. هر کسسی از گوشه و کنارشهر و حتی کشور آمده بود تا رقص لاله‌های رنگی در روزهای نخست فروردین را ببیند و روزهای اول سال را با آن هوای دلپذیر قدم بزند. حول و حوش شش عصر با خواهرزاده‌ام از سالن سینمایی که در مجاورت پارک بود بیرون آمدم، در پارک قدم زدیم. هنوز چند قدمی از پارک دور نشده بودیم، زیر نورهای رنگی درختان چندین ساله ولیعصر پسر جوانی با ما هم‌قدم شد. بعد از اینکه متوجه شد نمی‌تواند دل کسی را به دست بیاورد شروع کرد به گفتن مزخرفات و با هیچ تذکری هم دور نشده؛ نه ظاهر بدی داشتیم نه در خیابان رفتار ناشایستی داشتیم و نه مشکلی درست کرده بودیم. با خودم می‌فکرتم تا کی و کجا باید ترسید و توهین شنید و من بزرگ‌تر بود. مرد بی‌اعتنا به محیط و مردم جلوتر می‌رفت. برایش مهم نبود کسی که از کنارش می‌گذرد چند ساله است، چه پوششی دارد، مجرد است یا متأهل، جوان است یا پیر، هیچ چیز برایش مهم نبود فقط با عبور هر زن یا دختر رهگذر گشیم می‌چرخید و زبانش تکان می‌خورد. واکنش‌ها اما جالب بود. بعضی با تعجب نگاهش می‌کردند، عده‌ای بی‌تفاوت یقیه راه‌شان را می‌رفتند، گروهی به خودشان، به ظاهرشان نگاهی می‌انداختند و چند نفری هم ناسرزایی نثارش کردند و باز راه‌شان را رفتند. هیچ کس جلوبیش را نگرفت، همه مثل من ترجیح دادند سساکت باشند و فراموش کنند.

برایش سوخت و گفتم ببین یکبار هم کسی پیدا می‌شود که این‌طور پای حشش بایستد. گفتم اجازه نده شبیه مردهای هرز باشی، بزرگ باش، انسان باش. هنوز پسرک را می‌بینم. بیشتر وقت‌ها حتی وقتی مشتری نیست در مغازه سرش به کار خودش گرم است. باز جای شکرش باقی است که عبرت گرفت.
**■ ترس‌هایی که هیچ وقت نمی‌روند**
حدود یک ماه پیش کارم در روزنامه کمی بیشتر از روزهای قبل طول کشید. ساعت ۸:۳۰ از دفتر خارج شدم و تا به خانه برسم ساعت ۹:۳۰ را نشان می‌داد. صندلی جلو نشسته بودم و هنگامی که داشتم از ماشین پیاده می‌شدم دست غریبه‌ای را روی بختی از بدنم حس کردم. چشم‌ه‌هایم به چشم‌های کنیفش گره خورد. در جا پایش را روی گاز گذاشتم و حتی صبر نکرد در ماشین را ببندم. شماراهش را برداشتم و اعلام شکایت کردم اما هیچ وقت دادسرا نرفتم. دروغ چرا ترسیدم که اگر برایش مشکلی پیش آید شاید مرا پیدا کند و اتفاق بدتری رخ دهد. آن شب و چند شب بعدش کلبوس‌هایی مشابه دیدم.

بعد از آن اتفاق هنوز که سوار ماشین می‌شوم چیزی در دلم فرو می‌ریزد. ترس دارم و تمام مدت نگاهم به دست‌های راننده است. تا از ماشین پیاده می‌شوم تازه نفسم جا می‌آید و دل شوباهم تمام می‌شود.

**■ سازمان حسابررسی کمک‌ی برای شناسایی خدمه متخلفش نکرد**
همین چند شب پیش، دوشنبه‌شب گذشته یکی دیگر از شب‌هایی که از محل کارم

زن‌ها قربانی خشونت‌های کلامی و جسمی و جنسی باشند؟

■ **قانون هست، کسی عمل نمی‌کند**

مشکلاتی که بعد از این اتفاق‌ها برای زنان به وجود می‌آید، گاهی غیرقابل جبران است تا جایی که مصطفی اقلیما، آسیب‌شناس در این رابطه به «جهان‌صنعت» گفت: اینکه ما در کشور جهان سوم زندگی می‌کنیم نقش اساسی در دیده شدن این موضوع دارد. در جهان سوم و خصوصا ایران به اصطلاح متلک گفتن جزئی از فرهنگ مردها شده است و شما این موضوع را در هر قشری می‌بینید؛ از قشر کم‌سواد و کارگر تا افراد تحصیلکرده. در سال‌های اخیر این فرهنگ به مهاجران افغان هم سرایت کرده و بارها دیده شده‌اند آنها هم به زن توهین و بی‌احترامی می‌کنند.

وی در ادامه به وجود قانون‌هایی جهت حمایت از زنان در این پرونده‌ها اشاره کرد و گفت: در ایران به اندازه کافی قانون داریم اما کسی را نداریم را که به قوانین عمل کند چون هم قانونگذار و هم کسی که بر قانون نظارت می‌کند مرد هستند. مردها به زن حق نمی‌دهند. مردها از آسیب‌های زنانه چیزی نمی‌دانند.

■ **در خلوت شاهدهی وجود ندارد**

این آسیب‌شناس به یکی از مراجعه‌کنندگانث اشاره می‌کند که چند سال قبل به دلیل اینکه با یکی از مزاحمان خود برخورد کرده بود از طریق آن مرد مورد ضرب و شتم فرار گرفته و زن برای اینکه از سمت همسرش دچار درگیری نشود هیچ شکایتی نکرده تا قضیه را تمام کرده باشد. اقلیما بیان می‌کند: این زن‌ها بعد از این اتفاق هرگز انسان قبلی نمی‌شوند. از تمام مردان خشم دارند، اعتمادشان را از دست می‌دهند و به مرور تبدیل می‌شوند به زنانی شکاک و تندخو و در نهایت همین مردها هستند که به زن‌ها انگ عصبی و متوهم بودن می‌زنند و برای حل مشکل آنها را به جلسات مشاوره و روانپزشک می‌فرستند، از آن طرف روانشناس چون زن نیست نمی‌فهمد چه بر سر زن آمده و تنها راهش تجویز قرص‌های آرام‌بخش است. مردها اگر بدانند با این کارهای به نظر خودشان کوچک چه ضربه مهلکی بسر روح و روان زن می‌زنند و خطراتی برایش می‌سازند که هرگز از ذهنش خارج نمی‌شود هیچ وقت این کار را انجام نمی‌دهند.

اقلیما بر این نکته تاکید کرد که مشکل دیگر زن‌هایی که تن به این رفتار و توهین‌های زشت نمی‌دهند مشکلات حقوقی و قضایی است. راه طولانی برای این زنان وجود دارد. برای شکایت باید به دادسرا و نیروی انتظامی مراجعه کنند و بعد هم تازه قاضی از آنها شاهد می‌خواهد. کسی به این قاضی نگفته این تعرضات و مشکلات در محیط‌های خلوت ایجاد می‌شود؟ زن از کجا شاهد بیورد؟ زن تنها و بی‌یاری که اینجا مظلوم واقع شده‌اگر در آن وضعیت تنها نبود که مرد به خودش جرات این کار را نمی‌داد. یک روز یک مراجعه‌کننده داشتم که جای کتک شوهرش روی بدنش کیود شده بود. قاضی از زن شاهد خواست و گفت باید ثابت کنی شوهرت تو را کتک زده است تا به پرونده‌ات رسیدگی کنم. فقط به زن‌ها گفته می‌شود این فلان حق و حقوق را داری اما وقتی پای گرفتن حق به میان می‌آید می‌گویم چنین حقوقی نداری.

او در آخر اضافه می‌کند: بعضی از مردها با این موضوع خیلی راحت و با تمسخر نگاه می‌کنند و در جواب اعتراض زن‌ها می‌گویند: حالا یکی چیزی گفته و این کارها را ندارد. دقیقاً این مردها همان افرادی هستند که خودشان هم برای یکبار که شده این کار زشتی را انجام داده‌اند.

مدرسه شبانه‌روزی و ۷۴ هنرستان مختص دانش‌آموزان عشایر در سطح کشور وجود دارد که به‌طور کلی ۱۶ هزار نیرو اعم از اداری، آموزشی و مدیر در این مدارس فعالیت می‌کنند.

او در ادامه عنوان کرد: در مدارس عشایری متحرک با سازه‌های چادر تنها یک معلم در تمامی مقاطع به ارائه آموزش می‌بپردازن، اما در مدارس شبانه‌روزی و هنرستان‌ها که به‌طور ثابت مشغول به فعالیت هستند نیروهای اداری، معلم و مدیر در قالب تیم آموزشی به کار گرفته می‌شوند.

از سوی دیگر همه‌ساله در فصل تابستان به منظور کیفیت‌بخشی به نحوه آموزش معلمان دوره‌های بازآموزی برگزار می‌شود و به منظور بررسی عملکرد مناسب آنها سرکشی از مدارس عشایر به‌طور ویژه توسط راهبران آموزشی انجام شده و سطوح آموزشی بررسی می‌شود. وی در پایان یادآور شد: در حال حاضر هیچ‌گونه آمار از دانش‌آموز و یا معلم تبعه خارجی در زیرگروه عشایر وجود ندارد و فعالیت آموزشی این‌گونه افراد در سیستم آموزش وپرورش تحت پوششش ۴۶۰ هزار اتباع خارجی مشغول به تحصیل قرار می‌گیرند.

وی در خصوص بودجه مربوط به تأمین تخت‌های بیمارستانی در سال ۹۷ گفت: درمان بخش بزرگی از نیازهای مردم جامعه را شامل می‌شود بر این اساس نیازسنجی‌های دقیق نسبت به اختصاص بودجه به بخش تأمین تخت‌های بیمارستانی انجام شده و به ازای هر یک تخت مبلغی بالغ بر ۷۰۰ میلیون تومان برآورد است.
در حالی که توان ساخت هر یک از تخت‌های بیمارستانی در کشور محدود بوده و به منزله تأمین بودجه نسبت به ظرفیت‌های محدود مالی دولت احساس نگرانی می‌کنند چراکه بر اساس اخبارهای موقث اختصاص بودجه سال ۹۷ به این امر با کمبودهای بسیاری روبه‌رو خواهد بود.

## هزینه هر تخت بیمارستانی ۷۰۰ میلیون تومان است

معاون فنی و برنامه‌ریزی معاونت درمان وزارت بهداشت اظهار کرد: بر اساس نیازسنجی‌های انجام شده در کشور با کمبود ۱۱۰ هزار تخت روبه‌رو هستیم در حالی است که بر اساس پیش‌بینی‌های وزارت بهداشت در سند ایران در سال ۱۴۰۴، ۲/۶۲ تخت برای ۲۳۰ هزار جمعیت است.

او یادآور شد: در دوره اول دولت تدبیر و امید نسبت به حجم کلی کمبود تخت بیمارستانی در کشور حدود ۲۴ هزار تخت تأمین شده و در حال حاضر با ۰/۷ کمبود روبه‌رو هستیم که طبیعتاً به علت محدودیت در منابع مالی تأمین این کمبودها با مشکل بودجه روبه‌رو است.

سند تنها می‌تواند میزان نیاز تعداد تخت‌های بیمارستانی را از نظر محاسبات وزارت بهداشت مشخص کند بنابراین این استاندارد بین‌المللی خاصی برای تأمین تعداد این تخت‌ها وجود ندارد اما برای کشورها در حال توسعه از نظر سازمان جهانی بهداشت به ازای هر هزار نفر جمعیت حدود چهار تخت برآورد می‌شود که بر این اساس در کشور ما با توجه به تنظیم سند ۱۴۰۴ در سال ۱۳۹۵ به ازای جمعیت ۷۹ میلیون نفری ایران ۱/۵۲ تخت به ازای هر هزار نفر لازم است در حالی است که ۱۲۰ هزار و ۱۲ تخت در کشور وجود داشته است.